

الگوی مصرف از نگاه قرآن و حدیث

محمد محمدی ری شهری

چکیده

الگوی مصرف اگرچه عنوانی ناآشنا در میان احادیث اسلامی است، اما با از نظر گذراندن احادیثی که بر نفی اسراف، تبذیر، انفاق و... اشاره دارند، می توان دیدگاه اسلام را در این باره از آنها استنباط کرد.

در این نوشتار، ابتدا مبانی اصلاح الگوی مصرف بیان شده و پس از طرح بایددها و نبایددهای استفاده از امکانات شخصی و ملی و ارائه راهکارهای اصلاح الگوی مصرف از امکانات ملی، به سیره پیشوایان دینی در مصرف اشاره شده و نمونه‌هایی از چگونگی رفتار ایشان ارائه گردیده است.

کلید واژه‌ها: اصلاح الگوی مصرف، اسراف و تبذیر، سیره پیشوایان، بیت‌المال.

درآمد

یکی از پایه‌های اصلی توسعه اقتصادی، «اصلاح الگوی مصرف» است.^۱ افزایش درآمد سرانه ملی، بدون این اقدام اساسی، نمی‌تواند نقش مؤثری در توسعه پایدار، ایفا نماید؛ زیرا اگر الگوی مصرف اصلاح نگردد، مصرف بی‌رویه، موجب تباهی منابع قابل سرمایه‌گذاری می‌شود و زمینه رشد اقتصادی و رفاه جامعه در بلندمدت از بین می‌رود. همچنین امکان مشارکت در هزینه‌های عمومی و بهبود توزیع درآمد فراهم نمی‌شود؛ از این رو، موضوع اصلاح الگوی مصرف در نظام اسلامی، از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. نام‌گذاری سال جاری (1388) توسط رهبر فرزانه انقلاب اسلامی، حضرت آیه‌الله خامنه‌ای، به نام «سال اصلاح الگوی مصرف»، قطعاً، اهمیت بررسی این موضوع را دوچندان نموده است. همان‌طور که در سخنان ایشان اشاره شده، اصلاح الگوی مصرف، فقط یک مسأله اقتصادی نیست؛ بلکه ابعاد فرهنگی و اجتماعی نیز دارد.^۲ اصلاح الگوی مصرف، می‌تواند به خودسازی انسان و مهار

۱. پایه‌های توسعه اقتصادی، عبارت است از: دانش، برنامه‌ریزی، کار، بازار، مصرف و دولت. در اسلام، علاوه بر این اصول، برای توسعه پایدار اقتصادی، پایه‌های دیگری نیز مطرح شده‌اند؛ مانند: اصول اعتقادی، اصول حقوقی، اصول اخلاقی، اصول عبادی و... (رک: توسعه اقتصادی بر پایه قرآن و حدیث)

۲. سخنرانی معظم له در تاریخ 1388/1/1 در آستان قدس رضوی.

تمایلات غریزی او، مانند: خودخواهی، حرص، طمع و تجمل‌گرایی کمک کند و با ریاضت اختیاری، موجب شکوفایی معنوی انسان گردد. از این رو، همه پیروان قرآن و علاقه‌مندان به پیشرفت و بالندگی اقتصادی، فرهنگی و اجتماعی ملت ایران، باید همه توان خود را به کار گیرند تا حرکت مبارکی که با نام‌گذاری سال جاری آغاز شده، هر چه بیشتر، تقویت شود.

بی‌تردید، نخستین گام برای تقویت این حرکت و پاسخگویی مثبت به این دعوت سرنوشت‌ساز، آشنایی دقیق با الگوی مصرف از نگاه قرآن و احادیث اسلامی است.

گفتنی است که در قرآن و احادیث اسلامی، چیزی تحت عنوان «الگوی مصرف» به طور مستقل، مطرح نشده است؛ اما با ملاحظه و جمع‌بندی آیات و روایاتی که دربارهٔ انفاق، نفقه، قصد، اقتصاد، قناعت، تقدیر در معیشت، اسراف، تبذیر، اتراف و همانند آنها آمده، می‌توان از دیدگاه اسلام در باره الگوی مصرف، آگاهی یافت.

تأمل در این آیات و احادیث، نشان می‌دهد که رهنمودهای اسلام در باره الگوی مصرف، در واقع، همان راه کارهای عقل و منطق برای توسعه پایدار اقتصادی و ساماندهی زندگی سالم، همراه با رفاه و آسایش جامعه انسانی است.

بدین منظور، بررسی مسائل زیر از نگاه قرآن و حدیث، ضروری است:

الف. مبانی اصلاح الگوی مصرف،

ب. الگوی تخصیص درآمد،

ج. بایدهای الگوی مصرف از امکانات شخصی،

د. نبایدهای الگوی مصرف از امکانات شخصی و ملی،

ه. راه‌کارهای اصلاح الگوی مصرف از امکانات ملی،

و. سیره عملی پیشوایان دینی در مصرف.

الف. مبانی اصلاح الگوی مصرف

مبانی اصلاح الگوی مصرف را می‌توان در دو مبنا خلاصه کرد:

1. مبانی عقلی

رفاه و توسعه اقتصادی پایدار جامعه، راهی جز اصلاح الگوی مصرف ندارد؛ زیرا اگر الگوی مصرف اصلاح نشود، مصرف بی‌رویه، موجب تباهی منابع سرمایه‌گذاری و مانع مشارکت همگان در هزینه‌های عمومی و بهبود توزیع درآمد می‌شود و بدون منابع سرمایه‌گذاری و مشارکت همگانی، توسعه پایدار، امکان‌پذیر نیست. از این رو، در روایتی از امام صادق ع میانه‌روی - که از لوازم اصلاح الگوی مصرف است -، از سپاهیان عقل، و مصرف بی‌رویه و اسراف، از سپاهیان جهل^۱ شمرده شده است.^۲

همچنین در روایتی از امام علی ع آمده است:

۳. الکافی، ج ۱، ص ۱۷، ح ۱۲.

العقلُ أنكَ تَقْتَصِدُ فَلَا تُسْرِفُ؛^۴

خردمندی، این است که: میانه‌روی کنی و اسراف نکنی.

بنا بر این، اگر هیچ دلیل شرعی برای اثبات ضرورت اصلاح الگوی مصرف نداشته باشیم، مقتضای عقل و تدبیر برای رسیدن به توسعه و رفاه پایدار، وجوب اصلاح الگوی مصرف و اجتناب از مصرف بی‌رویه است.

2. مبانی دینی

از نظر اسلام، ضرورت اصلاح الگوی مصرف، لااقل سه مبنای محکم اعتقادی و اخلاقی دارد:

یک. اعتقاد به مالکیت خداوند متعال

باور داشتن به این اعتقاد که مالکیت انسان، اعتباری بوده و در طول مالکیت حقیقی آفریدگار هستی است. این باور، بدین معناست که انسان، اجازه ندارد اموال در اختیارش را هرگونه که می‌خواهد، مصرف کند، چنان‌که در روایتی از امام صادق ع آمده است:

المال مال الله ﷻ، جعله ودائع عند خلقه، وأمرهم أن يأكلوا منه قسداً، و يشربوا منه قسداً، و يلبسوا منه قسداً، و ينكحوا منه قسداً، و يركبوا منه قسداً، و يعودوا بما سوى ذلك على فقراء المؤمنين، فمن تعدى ذلك كان ما أكله حراماً، و ما شرب منه حراماً و ما لبسه منه حراماً، و ما نكحه منه حراماً، و ما ركبته منه حراماً؛^۵

اموال، از آن خداست و آنها را نزد آفریدگان خویش امانت نهاده است و فرمانشان داده که از آن، با میانه‌روی بخورند و با میانه‌روی بنوشند و با میانه‌روی بپوشند و با میانه‌روی ازدواج کنند و با میانه‌روی، وسیله سواری بخرند و سوار شوند و بیش از آن را به مؤمنان نیازمند ببخشند. هر که از این حد [اعتدال و میانه‌روی] فراتر رود، آنچه از آن مال می‌خورد، حرام است و آنچه می‌نوشد، حرام و آنچه می‌پوشد، حرام و مالی که به وسیله آن ازدواج می‌کند، حرام و آنچه سوار می‌شود، حرام است.

این سخن، بدین معناست که اسراف، و مصرف بی‌رویه مال، با اعتقاد به مالکیت خداوند متعال، در تضاد است، و اصلاح الگوی مصرف، از لوازم توحید عملی است.

دو. اعتقاد به برادری دینی

از چشم‌انداز قرآن، همه اهل ایمان، برادر یکدیگرند. پیوند برادری اهل ایمان از نگاه روایات اسلامی، آن قدر قوی است که آحاد جامعه، همانند اعضای پیکر یک انسان‌اند:

المؤمن أخو المؤمن كالجسد الواحد، إن اشتكى شتياً منه وجد ألم ذلك في سائر جسده، و أرواحهما من روح واحدة، و إن روح المؤمن لاشتد اتصالاً بروح الله من اتصال شعاع الشمس بها؛^۶

۴. غرر الحكم، ح 2130.

۵. اعلام الدین، ص 269؛ بحار الانوار، ج 103، ص 16، ح 74.

۶. الکافی، ج 2، ص 166، ح 4.

مؤمن، برادر مؤمن است و همانند یک پیکرند که اگر عضوی از آن به درد آید، سایر اعضایش نیز آن درد را در خود، احساس می‌کنند. روح آن دو مؤمن، از یک روح است. پیوند روح مؤمن به روح خداوند، بیشتر از پیوند پرتو خورشید به خورشید است.

این باور، ایجاب می‌نماید که در جامعه اسلامی، توسعه و رفاه باید به صورت متعادل در میان یکایک مردم، تقسیم گردد.

سه. تلازم تکامل معنوی و کنترل لذت‌های مادی

در روایتی از امام علی علیه السلام آمده است:

دَوَاءُ النَّفْسِ الصَّوْمُ عَنِ الْهَوَىٰ، وَالْحِمِيَّةُ عَنِ لَذَاتِ الدُّنْيَا؛^۷

دوای نفس، باز ایستادن از هوس است، و منع نمودن از لذت‌های دنیا.

در مقابل، لذت‌گرایی و زیاده‌روی در مصرف قرار دارد که موجب انحطاط معنوی و مانع کمالات نفسانی است. بر این اساس، کنترل خواسته‌های مادی، به منظور تکامل معنوی، لازم و ضروری است.

ب. الگوی تخصیص درآمد

برای تبیین الگوی تخصیص درآمد، و توضیح مواردی که درآمد باید در آنها مصرف شود، باید به مواردی اشاره کرد که عبارت‌اند از:

1. نیازهای شخصی

آیات و روایات فراوانی تأکید دارند که انسان باید از لذت‌های حلال مادی استفاده کند و در شماری از روایات، با این تعبیر که «خداوند متعال، دوست دارد که بهره‌گیری از نعمتی را که به بنده‌اش داده، ببیند»، مردم را به استفاده از این لذت‌ها به اندازه نیاز، تشویق می‌نمایند، و نیز کسانی را که خود را از لذت‌های مشروع زندگی، محروم کرده‌اند، به شدت نکوهش می‌نمایند. البته تخصیص درآمد به نیازهای شخصی، باید‌ها و نیاید‌هایی دارد که به آن اشاره خواهد شد.

2. گشاده‌دستی برای خانواده

دومین مورد تخصیص درآمد - که در روایات اسلامی به آن، توصیه شده -، گشاده‌دستی در تأمین نیازهای خانواده است. این موضوع، آن قدر اهمیت دارد که در روایتی از امام زین العابدین علیه السلام آمده است:

أَرْضَاكُمْ عِنْدَ اللَّهِ أَسْبَغُكُمْ عَلَى عِيَالِهِ؛^۸

خوشنودترین شما نزد خداوند، کسی است که خانواده خود را بیشتر در رفاه قرار بدهد.

در روایتی دیگر نیز، امام رضا علیه السلام می‌فرماید:

۷. غرر الحكم، ج 5153؛ عیون الحكم و المواعظ، ص 520، ج 4686.

۸. الکافی، ج 4، ص 11، ج 3.

صاحبُ النِّعْمَةِ يَجِبُ عَلَيْهِ التَّوَسُّعَةُ عَلَى عِيَالِهِ؛^۹

بر آن که از نعمت برخوردار است، واجب است که بر خانواده‌اش گشاده‌دستی کند.

3. پس‌انداز

آینده‌نگری، ایجاب می‌کند که انسان، همه درآمد خود را یکجا مصرف نکند؛ بلکه آینده خود را نیز در نظر بگیرد و برای تأمین آرامش خاطر خود، در صورت امکان، بخشی از درآمدش را پس‌انداز کند. در روایتی از امام صادق ع آمده که می‌فرماید:

إِنَّ النَّفْسَ إِذَا أَحْرَزَتْ قُوَّتَهَا اسْتَقَرَّتْ؛^{۱۰}

آدمی، هر گاه وسایل زندگی‌اش به قدر نیاز فراهم باشد، روانش آسایش می‌یابد.

همچنین، در موردی دیگر، آن حضرت، در پاسخ گروهی از صوفیان - که زهد اسلامی را تحریف کرده بودند -، به پس‌انداز سلمان ۸، برای زندگی سالیانه خود، به عنوان یک زاهد نمونه‌ای که الگوی مصرف اسلامی را رعایت می‌کرد، اشاره می‌فرماید.^{۱۱}

بدیهی است که آینده‌نگری و پس‌انداز در سطح کلان برای تأمین نیازهای جامعه، از اهمیت دوچندانی برخوردار است و با آینده‌نگری فردی، قابل مقایسه نیست. نمونه قرآنی آن نیز، آینده‌نگری حضرت یوسف ع در ذخیره گندم برای تأمین نیازهای آینده مردم است.

4. سرمایه‌گذاری در تولید و تجارت

نکته بسیار مهم و قابل توجه، این است که، توصیه روایات در تخصیص بخشی از درآمد به پس‌انداز، این نیست که پول، به صورت نقدی پس‌انداز شود، بلکه با تأکید به اصلاح و ساماندهی مال و بهره‌وری از آن، مردم، به سرمایه‌گذاری در زمینه‌های مختلف تولیدی و تجاری، تشویق شده‌اند تا آن جا که ساماندهی ثروت، بخشی از ایمان شمرده شده است:

إِصْلَاحُ الْمَالِ مِنَ الْإِيمَانِ؛^{۱۲}

نگاهداری نیکو از مال، نشانه ایمان است.

5. مشارکت اجتماعی

یکی از موارد تخصیص درآمد - که قرآن و احادیث اسلامی، بر آن تأکید دارند - هزینه کردن در راه خداوند متعال است.

اقدام این افراد از نظر اسلام، آن قدر اهمیت دارد که در قرآن، در ردیف ایمان‌آوردگان به غیب و نماز گزاران، شمرده شده است:

۹. همان، ج 4، ص 11، ح 5.

۱۰. همان، ج 5، ص 89، ح 2؛ کتاب من لا یحضره الفقیه، ج 3، ص 166، ح 3619.

۱۱. الکافی، ج 5، ص 68، ح 1.

۱۲. همان، ج 5، ص 87، ح 3؛ کتاب من لا یحضره الفقیه، ج 3، ص 166، ح 3617.

■ الَّذِينَ يُؤْمِنُونَ بِالْغَيْبِ وَيُقِيمُونَ الصَّلَاةَ وَمِمَّا رَزَقْنَاهُمْ يُنْفِقُونَ؛^{۱۳}

پرهیزگاران اینانند؛ کسانی که به غیب ایمان دارند و نماز را بر پا می‌کنند و از آنچه روزی‌شان کرده‌ایم، انفاق می‌کنند.

در روایات اسلامی، بسیار تأکید شده که این بخش از هزینه‌ها، در واقع، موجب باقی ماندن مال و ذخیره‌سازی آن برای جهان پس از مرگ انسان است.

در روایتی آمده که گوسفندی را در خانه پیامبر ﷺ ذبح کردند و گوشت آن را به دیگران دادند. پیامبر ﷺ از عایشه پرسید: «چیزی از آن مانده است؟».

وی پاسخ داد: چیزی جز کتف (سردست) آن، باقی نمانده است.

پیامبر ﷺ فرمود:

بَقِيَ كُلُّهَا غَيْرَ كَتْفِهَا؛^{۱۴}

بجز سردستش، همه آن، باقی مانده است!

این روایت، به این نکته اشاره دارد که آنچه برای خداوند، به دیگران داده شده، برای جهان پس از مرگ باقی می‌ماند و آنچه در راه مصارف شخصی هزینه شده، فانی می‌گردد.

خداوند متعال، وعده داده است که پاداش آنچه را انسان برای خداوند هزینه کرده، به مراتب، بیش از آنچه هزینه کرده، در زندگی ابدی به او باز می‌گرداند:

■ مَثَلُ الَّذِينَ يُنْفِقُونَ أَمْوَالَهُمْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ كَمَثَلِ حَبَّةٍ أَنْبَتَتْ سَبْعَ سَنَابِلٍ فِي كُلِّ سُنْبُلَةٍ مِائَةٌ حَبَّةٍ وَاللَّهُ يُضَاعِفُ لِمَنْ يَشَاءُ وَاللَّهُ وَاسِعٌ عَلِيمٌ؛^{۱۵}

مَثَل [صدقات] کسانی که اموال خود را در راه خدا انفاق می‌کنند، همانند دانه‌ای است که هفت خوشه برویاند که در هر خوشه‌ای، صد دانه باشد. و خداوند برای هر کس که بخواهد، [آن را] چند برابر می‌کند، و خداوند، گشایشگر داناست.

اما از آن جا که خداوند متعال، بی‌نیاز مطلق است، هزینه کردن در راه خدا، در واقع، به معنای هزینه کردن برای منافع دیگران و مشارکت در خدمات اجتماعی برای جلب رضای حق تعالی است.

بنا بر این، مقتضای این روایات و دیگر روایات مشابه، این است که شخص مسلمان، در صورت امکان، باید درآمد خود را به سه بخش تقسیم کند: بخشی را صرف نیازهای شخصی و رفاه خانواده خود کند؛ بخشی را به پس‌انداز اختصاص دهد، آن هم پس‌اندازها در جهت سرمایه‌گذاری تولیدی و تجاری؛ و بخشی را صرف کمک به نیازمندان و خدمات اجتماعی نماید.

البته همه این موارد، ضوابط و بایدها و نبایدهایی دارند که به آنها اشاره خواهد شد.

۱۳. سوره بقره، آیه ۳.

۱۴. سنن الترمذی، ج ۴، ص ۶۴۴، ح ۲۴۷۰؛ کنز العمال، ج ۶، ص ۳۸۱ ح ۱۶۱۵۰.

۱۵. سوره بقره، آیه ۲۶۱.

ج. بایدهای الگوی مصرف، از امکانات شخصی

اصلی‌ترین اقداماتی که انجام دادن آنها، به منظور اصلاح الگوی مصرف، البته از درآمدها و امکانات شخصی، لازم و ضروری است، عبارت‌اند از:

1. برنامه‌ریزی

نخستین رهنمود اسلام برای اصلاح الگوی مصرف، برنامه‌ریزی برای هزینه کردن و ایجاد تعادل میان دخل و خرج زندگی است. قرآن در این باره می‌فرماید:

﴿لِيُنْفِقْ ذُو سَعَةٍ مِّن سَعَتِهِ وَمَن قَدَرَ عَلَيْهِ رِزْقُهُ فَلَْيُنْفِقْ مِمَّا آتَاهُ اللَّهُ﴾؛^{۱۶}

بر توانگر است که از دارایی خود هزینه کند، و هر که روزی‌اش بر او تنگ شده باشد، از آنچه خداوند به او داده است، خرج کند.

این سخن، بدین معناست که هر کس باید به فراخور درآمد خود، برای هزینه‌های زندگی خویش برنامه‌ریزی کند؛ زیرا درآمد همه مردم، یکسان نیست. از این رو، هر کس برای رسیدن به توازن و تعادل میان دخل و خرج زندگی، باید برنامه خاصی داشته باشد. رعایت این توازن، حتی در شرایط مختلف اقتصادی زندگی یک فرد نیز ضروری است.

این اقدام، یکی از مصادیق بارز تدبیر در امور معیشتی است که بیش از ثروت، در رفاه و آسایش انسان مؤثر است، و در کنار دین‌شناسی و مقاومت در سختی‌ها، به دست آوردن آن، برای اهل ایمان، ضروری است، و گاهی فقدان این ویژگی، موجب می‌گردد که برخی از بینوایان، از ثروتمندان، اسراف‌کارتر شمرده شوند. در روایتی از امام صادق ع آمده است:

رُبَّ فَقِيرٍ أَسْرَفَ مِنْ غَنِيٍّ. قُلْتُ: كَيْفَ يَكُونُ الْفَقِيرُ أَسْرَفَ مِنَ الْغَنِيِّ؟ فَقَالَ: إِنَّ الْغَنِيَّ يُنْفِقُ مِمَّا أُوتِيَ، وَ الْفَقِيرُ يُنْفِقُ مِنْ غَيْرِ مَا أُوتِيَ؛^{۱۷}

[امام ع فرمود:] «بسیا فقیری که از توانگر، اسراف‌کارتر باشد». گفتم: چگونه چنین چیزی ممکن است؟ فرمود: «توانگر، از آنچه به وی عطا شده، خرج می‌کند؛ ولی فقیر، بدون آن که به وی انفاق شده، خرج می‌کند».

2. میانه‌روی

دومین رهنمود برای اصلاح الگوی مصرف، میانه‌روی (اعتدال) در مصرف است. ممکن است درآمد شخصی، به گونه‌ای باشد که هر قدر که مایل است، بتواند هزینه کند؛ اما اسلام، اجازه نمی‌دهد که بیش از نیاز، مصرف نماید. البته باید توجه داشت که نیاز، مراتبی دارد. دانشمندان، نیازهای انسان را به سه مرتبه تقسیم کرده‌اند.

مرتبۀ نخست نیاز، نیاز انسان به امکانات اولیه ضروری است؛ یعنی چیزهایی که ادامه زندگی، بدون آنها، امکان‌پذیر نیست و یا با مشکل جدی، رو به روست.

۱۶. سوره طلاق، آیه 7.

۱۷. الکافی، ج 4، ص 54، ح 11.

مرتبۀ دوم نیاز، نیاز انسان به امکاناتی است که برای اداره یک زندگی متوسط، اعم از نیازهای اقتصادی، علمی و فرهنگی، کافی است.

مرتبۀ سوم نیاز، نیاز انسان به امکاناتی است که افزون بر برخورداری از یک زندگی متوسط، رفاه و آسایش او را نیز در حد معقول و منطقی تأمین نماید.

گفتنی است که هر چند آنچه در روایات اسلامی، مورد تأکید قرار دارد، تأمین نیازهای زندگی در حد کفاف و برخورداری از یک زندگی متوسط است، اما برخورداری از رفاه نسبی نیز با میانه‌روی در مصرف، منافاتی ندارد. از این رو، در روایتی از اسحاق بن عمار نقل شده است که:

قُلْتُ لِأَبِي عَبْدِ اللَّهِ □: يَكُونُ لِلْمُؤْمِنِ عَشْرَةَ أَقْمَصَةٍ؟ قَالَ: نَعَمْ، قُلْتُ: عَشْرُونَ؟ قَالَ: نَعَمْ، قُلْتُ: ثَلَاثُونَ؟ قَالَ: نَعَمْ، لَيْسَ هَذَا مِنَ السَّرْفِ إِنَّمَا السَّرْفُ أَنْ تَجْعَلَ ثَوْبَ صَوْنِكَ ثَوْبَ بِذَلِكَ؛^{۱۸}

به امام صادق □ گفتم: آیا مؤمن می‌تواند ده پیراهن داشته باشد؟ امام □ فرمود: «آری». گفتم: بیست پیراهن چه؟ فرمود: «آری [اشکالی ندارد]». گفتم: سی تا چه؟ فرمود: «آری. این، اسراف نیست؛ اسراف، آن است که لباس بیرونی‌ات (میهمانی‌ات) را لباس کار و دم دستی قرار دهی».

بنا بر این، آنچه در اسلام، اسراف و غیر مجاز شمرده شده، مصرف بیش از حد رفاه نسبی است.

3. رعایت اولویت‌ها

یکی از نکات بسیار مهم در اصلاح الگوی مصرف، در نظر گرفتن اولویت‌هاست. بی‌توجهی به این امر، در واقع، هدر دادن سرمایه، و گونه‌های اسراف کاری است و مشکلات گوناگونی را در پی خواهد داشت. در روایتی از امام علی □ آمده است:

مِنْ اسْتَعْلَ بِغَيْرِ الْمُهْمِّ صَبَغَ الْأَهْمُ؛^{۱۹}

هر کس به چیزی که مهم نیست پردازد، آنچه را که اهمیت بیشتری دارد، از دست می‌دهد.

بنا بر این، در تأمین نیازهایی که از درآمدهای شخصی صورت می‌گیرد، توجه به دو نکته، ضروری است:

یک. در نظر گرفتن اولویت، در شخص مصرف کننده

چنان‌که در روایتی از پیامبر □ آمده است:

إِذَا كَانَ أَحَدُكُمْ فَقِيرًا فَلْيَبْدَأْ بِنَفْسِهِ، فَإِنْ كَانَ فَضْلًا فَعَلَى عِيَالِهِ، فَإِنْ كَانَ فَضْلًا فَعَلَى قَرَابَتِهِ أَوْ عَلَى ذِي رَحْمَةٍ، فَإِنْ كَانَ فَضْلًا فَهَاهُنَا وَ هَاهُنَا؛^{۲۰}

هر یک از شما که فقیر است، نخست به خود پردازد. اگر مالی افزون آمد، به خانواده‌اش بدهد، اگر بیشینه‌ای ماند، به خویشاوندان یا بستگانش پردازد، و اگر باز هم ماند، این سو و آن سو هزینه کند.

۱۸. همان، ج 6، ص 441، ح 4؛ مکارم الاخلاق، ج 1، ص 221، ح 649.

۱۹. میزان الحکمة، ج 8، ص 129، ح 14328.

۲۰. سنن النسائی، ج 7، ص 304؛ صحیح مسلم، ج 2، ص 693، ح 41.

همان طور که در این روایت آمده، انسان، به طور طبیعی باید در درجه اول، نیازهای خود را تأمین کند، سپس نزدیکان و پس از آن، دیگران. اما گاه، ضرورت ایجاب می‌کند که نیاز دیگران را مقدم دارد که این معنا از نظر اخلاقی، در اسلام پسندیده است و ایثار نامیده می‌شود.

دو. در نظر گرفتن اولویت، در نیاز مصرف‌کننده

تأمین نیازهای ضروری‌تر بر نیازهایی که تأمین آنها ضرورت کمتری دارد، باید مقدم گردد. معیار اصلی در تشخیص میانه‌روی در مصرف، بلکه مهم‌ترین اصل در اصلاح الگوی مصرف، بجا مصرف کردن، و نابجا مصرف کردن است. این معیار در روایتی از پیامبر ﷺ بدین گونه بیان شده است:

مَنْ أُعْطِيَ فِي غَيْرِ حَقٍّ فَقَدْ أَسْرَفَ، وَ مَنْ مَنَعَ عَنْ حَقٍّ فَقَدْ قَتَرَ؛^{۲۱}

هر که به ناحق (بی‌جا)، بخشش کند، اسراف کرده است و هر که به حق (بجا)، خرج نکند، سخت‌گیری و خست ورزیده است.

بر پایه این معیار عقلی و شرعی، همه بایدها و نبایدهای اصلاح الگوی مصرف را می‌توان مشخص کرد و تردیدی نیست که تأمین همه مراتب نیاز انسان‌ها از درآمد مشروع خود، از مصادیق روشن مصرف بجا محسوب می‌گردد.

4. همدردی در تنگنای اقتصادی

یکی دیگر از دستورات عمل‌های مهم اخلاقی در اسلام، همدردی با توده مردم در تنگنای اقتصادی است. شخصی به نام مُعْتَب،^{۲۲} روایت کرده که در زمان امام صادق ﷺ در شرایطی که بهای مواد غذایی، رو به افزایش بود، امام از من پرسید: «چقدر گندم داریم؟».

گفتم: مقداری که ماه‌ها برای ما کافی است.

فرمود: «همه را به بازار ببر و بفروش». گفتم: در مدینه گندم نیست!

فرمود: «ببر و آنها را بفروش».

پس از فروش آنها، امام ﷺ فرمود: اکنون مانند همه مردم، برو و گندم مورد نیاز ما را از بازار تهیه کن!

و افزود:

يَا مُعْتَبُ! اجْعَلْ قَوْتَ عِيَالِي نِصْفًا شَعِيرًا وَ نِصْفًا حِنْطَةً؛ فَإِنَّ اللَّهَ يَعْلَمُ أَنِّي وَاجِدٌ أَنْ أُطْعِمَهُمُ الْحِنْطَةَ عَلَى وَجْهِهَا، وَ لَكِنِّي أَحِبُّ أَنْ يَرَانِي اللَّهُ قَدْ أَحْسَنْتُ تَقْدِيرَ الْمَعِيشَةِ؛^{۲۳}

ای معتب، غذای خانواده مرا، نیمی جو و نیمی گندم قرار ده؛ خدا می‌داند که من، توانایی این را دارم که همهٔ خوراک آنان را گندم قرار دهم؛ ولی من دوست دارم که خداوند، مرا این گونه ببیند که زندگی را خوب تدبیر می‌کنم.

۲۱. تفسیر مجمع البیان، ج 7، ص 280 (عن معاذ)؛ بحار الانوار، ج 69، ص 261.

۲۲. وی، خدمتکار امام صادق ﷺ است.

۲۳. الکافی، ج 5، ص 166، ج 2؛ تهذیب الاحکام، ج 7، ص 161، ج 15.

این سخن، بدین معناست که همدردی با مردم در تنگناهای اقتصادی، بالاترین مراتب «تدبیر زندگی» و زیباترین «الگوی مصرف» در اسلام است که باید مورد توجه ثروتمندان، بویژه رهبران دینی و سیاسی باشد.

5. رعایت بیشترین بازدهی اجتماعی

یکی از نکات مهم در الگوی مصرف در مشارکت‌های اجتماعی، این است که باید به گونه‌ای عمل شود که دارای بیشترین بازدهی اجتماعی باشد. از این رو، هزینه کردن در مواردی که زیانش برای انسان، بیش از سودش برای دیگران است، نکوهیده شمرده شده است. چنان که در روایتی از امام کاظم ع آمده است:

لَا تَبْدُلْ لِإِخْوَانِكَ مِنْ نَفْسِكَ مَا ضَرَّهُ عَلَيْكَ أَكْثَرَ مِنْ مَنْفَعَتِهِ لَهُمْ؛^{۲۴}

برای برادران [ایمانی] خود، چندان از خودت مایه مگذار که زیان آن برای تو، بیشتر از سودش برای آنهاست.

یعنی وقتی کسی، بدهکاری زیادی دارد، شما نباید همه ثروتمندان را برای پرداخت بدهی چنین شخصی بدهید؛ چون در این صورت، بدون آن که بدهی او پرداخته شده باشد، همه ثروت خود را از دست داده‌اید.^{۲۵}

6. ساده زیستی

اصلاح الگوی مصرف، بدون قناعت و ساده‌زیستی، و دوری از تجمل‌گرایی، امکان‌پذیر نیست. از این رو، در روایات اهل بیت ع کاستن از هزینه‌های زندگی و ساده‌زیستی، بسیار توصیه شده است. بر پایه روایتی از امام صادق ع، ویژگی‌های شخص باایمان، این گونه است:

الْمُؤْمِنُ حَسَنُ الْمَعُونَةِ، خَفِيفُ الْمَوْنَةِ، جَيِّدُ التَّدْبِيرِ لِمَعِيشَتِهِ؛^{۲۶}

مؤمن، یاریگری شایسته است؛ کم خرج است و گذران زندگی‌اش را خوب تدبیر می‌کند.

بر این اساس، برنامه‌ریزی برای ارتقای فرهنگ ساده‌زیستی، یکی از مصادیق بهترین برنامه‌ریزی‌ها برای تدبیر زندگی و اصلاح الگوی مصرف است.

در این باره، سفارش امام صادق ع این گونه است که انسان در زندگی مادی، باید به تهی‌دست‌تر از خود نگاه کند:

أَنْظِرْ إِلَى مَنْ هُوَ دُونَكَ فِي الْمَقْدَرَةِ وَ لَا تَنْظُرْ إِلَى مَنْ هُوَ فَوْقَكَ فِي الْمَقْدَرَةِ، فَإِنَّ ذَلِكَ أَقْبَحُ لَكَ بِمَا قَسِمَ لَكَ؛^{۲۷}

به ناتوان‌تر از خودت بنگر و به توانگر از خویش منگر؛ زیرا این کار، تو را به آنچه قسمت تو شده، قانع‌تر می‌سازد.

۲۴. همان، ج 4، ص 32، ح 2.

۲۵. رک: همان، ج 4، ص 32، ح 1.

۲۶. همان، ج 2، ص 241، ح 38.

۲۷. همان، ج 8، ص 244، ح 338؛ علل الشرائع، ص 559؛ تحف العقول، ص 360.

رعایت این رهنمود، نقش مهمی در پیشگیری از چشم و همچشمی و افراط در تجمل‌گرایی دارد.

7. در نظر گرفتن فرهنگ جامعه

یکی از نکاتی که در باره موضوع ساده‌زیستی و دوری از تفریط در مصرف، توجه به آن ضروری است، در نظر گرفتن فرهنگ عمومی مردم، در زمان‌های مختلف است. به سخن دیگر، ساده‌زیستی، به معنای استفاده از پوشاک یا غذای نامرغوب و یا مسکن نامطلوب و در یک جمله، زندگی نامتعارف نیست. در روایتی از امام رضا □ آمده است که می‌فرماید:

إِنَّ أَهْلَ الضَّعْفِ مِنْ مَوَالِيٍّ يُجِبُونَ أَنْ أُجْلِسَ عَلَى اللَّبُودِ وَالْبَيْسِ الْخَثِيبِ، وَ لَيْسَ يَتَحَمَّلُ
الزَّمَانَ ذَلِكَ؛^{۲۸}

دوستان سست‌عقیده‌ام، دوست دارند که من بر پلاس بنشینم و جامه زُمخت بپوشم؛ اما این روزگار، کنجایش چنین کاری ندارد.

همچنین، هنگامی که سفیان ثوری، ملاحظه کرد امام صادق □، لباس زیبایی بر تن دارد و به ایشان ایراد گرفت که پدرانش از این گونه لباس‌ها استفاده نمی‌کرده‌اند، امام فرمود:

إِنَّ آبَائِي □ كَانُوا فِي زَمَانٍ مُقْفَرٍ مُقْتَرٍ، وَ هَذَا زَمَانٌ قَدْ أَرْخَتِ الدُّنْيَا عِزَّيْهَا، فَأَحَقُّ
أَهْلُهَا
بِهَا أُبْرَارُهُمْ؛^{۲۹}

همانا پدران من در روزگار فقر و تنگ‌دستی زندگی می‌کردند، حال آن‌که امروز، زمانه گشایش و فراخی است؛ پس شایسته‌ترین کسان برای بهره‌مندی از این گشایش، نیکان این زمانه‌اند.

بنا بر این، همسویی با فرهنگ مشروع حاکم بر جامعه، نه تنها نکوهیده نیست، بلکه مطلوب و پسندیده است؛ همان گونه که در روایتی دیگر از امام صادق □ آمده است:

خَيْرُ لِبَاسٍ كُلِّ زَمَانٍ لِبَاسُ أَهْلِهِ؛^{۳۰}

بهترین جامه برای هر روزگار، جامه مردم همان زمان است.

د. نبایدهای اصلاح الگوی مصرف، از امکانات شخصی و عمومی

بر پایه آن‌چه در باره ضرورت‌های اصلاح الگوی مصرف تبیین شد، معیارهای الگوی صحیح در مصرف، عبارت‌اند از: برنامه‌ریزی، میانه‌روی، رعایت اولویت‌ها، همدردی با توده‌های مردم در تنگناهای اقتصادی، ساده‌زیستی، اجتناب از تفریط، در نظر گرفتن فرهنگ حاکم بر جامعه و هزینه کردن بخشی از درآمد برای مصالح جامعه.

بنا بر این، مصرف، هر چه به این معیارها نزدیک‌تر باشد، پسندیده‌تر است و هر چه دورتر باشد، نکوهیده‌تر و نارواتر. اینک انواع مصرف‌های ناروا و ویژگی‌های آنها را بیان می‌کنیم:

۲۸. مکارم الاخلاق، ج ۱، ص ۲۲۰، ح ۷۴۸.

۲۹. بحار الانوار، ج ۴۷، ص ۳۵۴، ح ۶۳.

۳۰. الکافی، ج ۱، ص ۴۱۱، ح ۴، ج ۶، ص ۴۴۴، ح ۱۵.

1. اسراف و تبذیر

اسراف در لغت، به معنای تجاوز از مرز اعتدال در هر کار است.^{۳۱} در قرآن^{۳۲} و حدیث نیز این واژه در معنای لغوی آن به کار رفته است. در روایتی از امام علی علیه السلام آمده است:

كُلُّ مَا زَادَ عَلَيَّ الْاِقْتِصَادِ، اِسْرَافٌ؛^{۳۳}

هر آنچه از میانه‌روی بگذرد، زیاده‌روی است.

همچنین از امام صادق علیه السلام روایت شده است:

اِعْلَمُ اَنْ لِكُلِّ شَيْءٍ حَدًّا، فَاِنْ جَاوَزَهُ كَانَ سَرْفًا؛^{۳۴}

بدان که هر چیزی، اندازه‌ای دارد که اگر از آن بگذرد، زیاده‌روی است.

امام کاظم علیه السلام در روایتی، در تبیین سیاهی‌بان عقل و جهل، این دو گزینه را نیز آورده است:

الْفُسْءُ، الْاِسْرَافُ؛^{۳۵}

میانه‌روی [و در برابر آن] زیاده‌روی.

این سخن، اشاره به آن است که اصلاح الگوی مصرف و میانه‌روی در آن، مسأله‌ای عقلی است و آنچه را که اسلام در این باره آورده، چیزی جز ارشاد به حکم عقل نیست. گفتنی است که در باره مفهوم اسراف، چند نکته، قابل توجه است:

یک. گستره اسراف

با عنایت به آنچه در تبیین مفهوم اسراف اشاره شد، مصادیق این واژه در زندگی فردی و اجتماعی انسان بسیار گسترده است؛ چنان که در حدیثی از پیامبر صلی الله علیه و آله آمده است:

فِي الْوَضْعِ اِسْرَافٌ وَ فِي كُلِّ شَيْءٍ اِسْرَافٌ؛^{۳۶}

در وضو [و شستشو] اسراف هست، و در هر چیز [دیگر هم] اسراف وجود دارد.

مفهوم اسراف، در هر کاری می‌تواند تحقق پیدا کند و هر کاری که از مرز اعتدال خارج شود، اسراف شمرده می‌شود؛ حتی در وضو گرفتن. اگر کسی، بیش از حد نیاز، آب مصرف کند، اسراف کار است.

۳۱. الإسراف: مجاوزة القصد (السان العرب، ذیل واژه «سرف»): السرف: تجاوز الحدّ فی کلّ فعل یفعله الإنسان. (مفردات، ذیل واژه «سرف»).

۳۲. از نگاه قرآن کریم، هرکاری که خارج از مرز اعتدال انجام شود، اسراف است و انجام دهنده آن، مسرف نامیده می‌شود. از این رو، قرآن، همان طور که شخص پرخور را مسرف می‌نامد (سوره اعراف، آیه 31)، گناهکار را نیز مسرف می‌خواند (سوره زمر، آیه 53). همچنین شخص مستبد و مستکبر را هم مسرف می‌داند (سوره یونس، آیه 83)؛ زیرا اولی، در مورد جسم، دومی، در مورد جان، و سومی، درباره جامعه، از مرز اعتدال خارج شده‌اند.

۳۳. غرر الحکم، ج 6899.

۳۴. نزهة الناظر، ص 178، ج 54.

۳۵. تحف العقول، ص 402.

۳۶. کنز العمال، ج 9، ص 474 ح 27027.

در روایتی دیگر از امام صادق □ نقل شده که می‌فرماید:

إِنَّ الْقَصْدَ أَمْرٌ يُحِبُّهُ اللَّهُ ﷻ، وَإِنَّ السَّرْفَ يُبْغِضُهُ؛ حَتَّى طَرَحَكَ النَّوَاءُ فَاتَّهَا تَصْلُحُ لِلشَّيْءِ، وَ حَتَّى صَبَّكَ فَضَّلَ شَرَابِكَ؛^{۳۷}

میانه‌روی، کاری است که خداوند ﷻ، آن را دوست دارد، و اسراف را ناخوش دارد، حتی دور انداختن هسته [میوه] را؛ زیرا آن [نیز] به کاری می‌آید، و حتی دور ریختن زیادی نوشیدنی‌ات را.

بنا بر این، اسراف، تنها در خوردن و آشامیدن نیست؛ بلکه حتی دور ریختن هسته خرما یا هسته دیگر میوه‌هایی که برای کاشت، قابل استفاده‌اند، اسراف محسوب شود؛ ولی در عصر ما، گستره اسراف، بسیار گسترده‌تر از گذشته است: اسراف در بهره‌گیری از هوا و محیط زیست، اسراف در استفاده از بنزین، نفت، گاز و دیگر منابع حیاتی نیز مصداق دارد.

دو. اسراف کمی و اسراف کیفی

گاه اسراف، در کمیت مصرف است؛ یعنی بیش از مقدار مورد نیاز، مصرف کردن. گاه نیز در کیفیت مصرف تحقق پیدا می‌کند؛ بدین معنا که مصرف از نظر کمی، بیش از حد نیاز نیست، ولی از نظر کیفی، بیش از حد نیاز است؛ مانند پوشیدن لباس میهمانی - که برای حفظ آبروست - در منزل.

روایت است که شخصی به نام سلیمان بن صالح، از امام صادق □ پرسید: کمترین درجه اسراف چیست؟

امام □ در پاسخ فرمود:

إِذْأَلِكُ تَوْبَ صَوْنِكُ، وَ إِهْرَاقُكَ فَضْلَ إِنْأَتِكَ؛^{۳۸}

کمترین اندازه آن، این است که لباس میهمانی‌ات را لباس خانه قرار دهی و تمامانده ظرفت را دور بریزی.

بر پایه روایتی دیگر، حتی انسان می‌تواند سی پیراهن داشته باشد و از هر یک، به منظوری استفاده کند و اسراف شمرده نشود؛ ولی اگر لباسی را که برای حفظ آبرو باید در بیرون از خانه بپوشد، در خانه، مورد استفاده قرار دهد، اسراف کار خوانده می‌شود.^{۳۹}

بنا بر این، استفاده نابجا از وسائل شخصی نیز از مصادیق اسراف است. استفاده نابینه از لباس بیرونی، اسراف کیفی قلمداد می‌شود و دور ریختن باقیمانده آب مصرفی، اسراف کمی. همچنین در روایت دیگری به نقل از پیامبر □ آمده است:

إِنَّ مِنْ السَّرْفِ أَنْ تَأْكُلَ كُلَّ مَا اسْتَهَيْتَ؛^{۴۰}

۳۷. الکافی، ج 4، ص 52، ح 2؛ ثواب الاعمال، ص 221، ح 1.

۳۸. الکافی، ج 4، ص 56، ح 10؛ کتاب من لا یحضره الفقیه، ج 3، ص 167، ح 3626.

۳۹. الکافی، ج 4، ص 441، ح 4؛ مکارم الاخلاق، ج 1، ص 221، ح 649.

۴۰. سنن ابن‌ماجه، ج 2، ص 1112، ح 3352؛ کنز العمال، ج 3، ص 444، ح 7366.

یکی از نمونه‌های اسراف، این است که هر چه دلت بخواهد، بخوری.

این سخن، اشاره دارد به این که ممکن است کسی بیش از اندازه لازم، غذا نخورد، ولی در انتخاب نوع غذا، اسراف کار باشد؛ یعنی به جای انتخاب غذای مفیدتر، غذای لذیذتر را انتخاب کند. به سخن دیگر؛ آنچه باید بخورد، نمی‌خورد؛ بلکه آنچه می‌خواهد، می‌خورد.

سه. نسبی بودن مفهوم اسراف

نکته قابل توجه دیگر در تبیین مفهوم اسراف، نسبی بودن آن است؛ بدین معنا که ممکن است بهره‌گیری مقداری، و یا نوعی از یک کالا، برای یک نفر، اسراف و تجاوز از حد اعتدال محسوب شود، ولی برای دیگری، اسراف نباشد؛ چنان که در روایتی از امام صادق ع آمده است:

أَتْرَى اللَّهَ انْتَمَنَ رَجُلًا عَلَى مَالِ حَوَّلَ لَهُ أَنْ يَشْتَرِيَ فَرَسًا بِعَشْرَةِ آلَافِ دِرْهَمٍ وَ يَجْزِيَهُ
فَرَسٌ بِعَشْرِينَ دِرْهَمًا؛^{۴۱}

آیا گمان می‌کنی خداوند، انسان را در مالی که به وی عطا فرموده، امین شمرده که اسبی به بهای ده هزار درهم بخرد؟ حال آن که اسبی به قیمت بیست درهم برای او کفایت می‌کند.

بر پایه این روایت، در زمان ما، مثلاً دو نفر که هر دو می‌توانند خودرویی به قیمت یکصد میلیون تومان تهیه کنند، یکی از آنها نیازمند به اتومبیلی با این قیمت است، ولی دیگری، اتومبیلی با قیمت بیست میلیون تومان هم برای تأمین نیازهایش کافی است، اگر هر دو، اتومبیل یکصد میلیون تومانی تهیه کردند، شخص دوم، اسرافکار است و اولی، اسرافکار نیست؛ چون فرد دوم، از مرز اعتدال تجاوز کرده و دیگری تجاوز نکرده است.

چهار. اسراف در کارهای خیر

برخی از روایات، دلالت دارند که در کارهای نیک، اسراف، نکوهیده نیست؛ مانند آنچه از پیامبر ع نقل شده که می‌فرماید:

لَا خَيْرَ فِي السَّرْفِ، وَلَا سَرَفٍ فِي الْخَيْرِ؛^{۴۲}

در اسراف، خیری نیست و در [کارهای] خیر، اسراف نیست.

در روایتی دیگر از امام علی ع آمده است:

الإسراف مذمومٌ في كُلِّ شَيْءٍ إِلَّا فِي أفعالِ الْبِرِّ؛^{۴۳}

اسراف، در هر چیزی ناپسند است؛ مگر در کارهای خیر.

۴۱. تفسیر العیاشی، ج ۲، ص ۱۳، ح ۲۳.

۴۲. عوالمی اللالی، ج ۱، ص ۲۹۱؛ بحار الانوار، ج ۷۷، ص ۱۶۵، ح ۲. گفتنی است که در بسیاری از منابع، این سخن، به عنوان روایت نقل شده است.

۴۳. غرر الحکم، ح ۱۹۳۸.

اما بی تردید، مقصود از این روایات، این نیست که انسان حق دارد همه اموال خود را به بهانه نیکی کردن به دیگران ببخشد، و خود و خانواده خویش را به فقر و فلاکت بیندازد. قرآن کریم، انفاق انسان‌های شایسته را چنین توصیف می‌کند:

■ وَالَّذِينَ إِذَا أَنْفَقُوا لَمْ يُسْرِفُوا وَلَمْ يَقْتُرُوا وَكَانَ بَيْنَ ذَلِكَ قَوَامًا^{۴۴}؛

و کسانی که هر گاه انفاق می‌کنند، نه اسراف می‌نمایند و نه سخت‌گیری؛ بلکه میان این دو، حد اعتدال را رعایت می‌کنند.

نیز در موردی که پیامبر خدا □ همه اموالی را که نزد او بود، انفاق کرد، به گونه‌ای که دیگر نزد او چیزی نماند تا بتواند پاسخگوی نیاز دیگران باشد، خداوند متعال، ایشان را از این کار نهی فرمود.

■ وَلَا تَجْعَلْ يَدَكَ مَغْلُولَةً إِلَىٰ عُنُقِكَ وَلَا تَبْسُطْهَا كُلَّ الْبَسْطِ فَتَقْعُدَ مَلُومًا مَّحْسُورًا^{۴۵}؛

و دستت را به گردنت زنجیر مکن و بسیار [هم] گشاده‌دستی منما تا ملامت‌شده و حسرت‌زده بر جای مانی.

بنا بر این، مقصود از روایاتی که تأکید دارند بر این که در کارهای نیک، اسراف نیست، دفع توهم نکوئیده بودن گشاده‌دستی در کارهای خیر است و تأکید بر این نکته که نه تنها در کارهای خیر، گشاده‌دستی نکوئیده نیست، بلکه نیکو و پسندیده است. این معنا در روایتی که وصایای پیامبر □ به امام علی □ را گزارش کرده نیز به روشنی دیده می‌شود:

أَمَّا الصَّدَقَةُ فَجُهِدْكَ حَتَّىٰ تَقُولَ: قَدْ أَسْرَفْتُ وَ لَمْ تُسْرِفْ^{۴۶}؛

صدقه، آن است که تا توان داری، ببخشی؛ چندان که بگویی: اسراف کردم؛ ولی اسراف نکرده باشی.

این، بدان معناست که مؤمن باید در انفاق در راه خدا، آن قدر گشاده‌دست باشد که خیال کند، اسراف کرده است؛ ولی در واقع، کار او اسراف نیست، بلکه گشاده‌دستی است. با این توضیح، مقصود از روایاتی که دلالت دارند اسراف، در شماری از مصارف، قابل تحقق نیست نیز روشن می‌گردد؛ مانند آنچه از امام صادق □ نقل شده که می‌فرماید:

لَيْسَ فِي الطَّعَامِ سَرْفٌ^{۴۷}؛

در خوراک، اسراف نیست.

یا از امام علی □ نقل شده است که می‌فرماید:

لَيْسَ فِي الْمَأْكُولِ وَ الْمَشْرُوبِ سَرْفٌ^{۴۸}؛

۴۴. سوره فرقان، آیه ۶۷.

۴۵. سوره اسراء، آیه ۲۹.

۴۶. رک: الکافی، ج ۸، ص ۷۹، ج ۳۳.

۴۷. المحاسن، ج ۲، ص ۱۶۲، ج ۱۴۴۴.

۴۸. بحار الانوار، ج ۶۹، ص ۲۶۱.

در خوردنی و آشامیدنی، اسراف نیست.

یا روایت مرفوعه‌ای که کلینی □ آورده است:

مَا أَنْفَقْتَ فِي الطَّيِّبِ فَلَيْسَ بِسَرْفٍ؛^{۴۹}

مالی که صرف بوی خوش (عطر) می‌کنی، اسراف نیست.

بی‌تردید، مقصود از این روایات، این نیست که تهیه غذاهای گوناگون مازاد بر نیاز و یا پرخوری از آنها، اسراف نیست! یا اگر انسان، در و دیوار خانه‌اش را هر روز با عطر و گلاب شستشو دهد، مانعی ندارد؛ بلکه این را می‌رساند که گشاده‌دستی در تهیه غذاهای لذیذ و نوشیدنی‌های گوارا و عطرهای دلپذیر، در حد میانه‌روی، اسراف محسوب نمی‌شود؛ چنان که در روایتی دیگر از امام صادق □ آمده است:

لَيْسَ فِيهَا أَصْلَحُ الْبَدَنِ إِسْرَافًا... إِنَّمَا الْإِسْرَافُ فِيمَا أَتْلَفَ الْمَالُ وَ أَضَرَ بِالْبَدَنِ؛^{۵۰}

در آنچه بدن را سالم نگه می‌دارد، اسراف نیست...؛ بلکه اسراف، در چیزهایی است که مال را تلف می‌کند و به بدن، زیان می‌رساند.

در همه این موارد، مقصود، یک چیز است و آن، دفع توهّم صدق اسراف، بر مصارفی است که گشاده‌دستی در آنها نه تنها نکوهیده نیست، بلکه نیکو و پسندیده است.

پنج. فرق اسراف و تبذیر

پیش از این، توضیح دادیم که «اسراف»، به معنای تجاوز از حد اعتدال در هر کار است؛ امّا «تبذیر» از ریشه «بذر»، به معنای پاشیدن دانه است. هنگامی که این واژه، در مباحث اقتصادی به کار می‌رود، به معنای مصرف کردن مال، به صورت غیر منطقی و نارواست. معادل کلمه «تبذیر» در فارسی، «ریخت و پاش» است.

تبذیر، نوعی اسراف شمرده می‌شود؛ چنان که در برخی از روایات، به این مطلب تصریح شده است:

إِنَّ التَّبْذِيرَ مِنَ الْإِسْرَافِ؛^{۵۱}

همانا تبذیر، [نوعی] از اسراف است.

از این رو، در شماری از روایات، اسراف و تبذیر، در کنار هم مورد نکوهش قرار گرفته‌اند:

أَلَا وَ إِنَّ إِعْطَاءَ الْمَالِ فِي غَيْرِ حَقِّهِ تَبْذِيرٌ وَ إِسْرَافٌ؛^{۵۲}

بدانید که بخشیدن مال، به کسی که درخور آن نیست، با تبذیر و اسراف، یکی است!

گفتنی است که برخی، «تبذیر» را صفت کیفی می‌دانند و اسراف را صفت کمی؛ مثلاً اگر خریدن اجناس بسیار مرغوب، با قیمت‌های زیاد، مورد نیاز نباشد، «تبذیر» است؛ ولی اسراف نیست؛ به عکس،

۴۹. الکافی، ج 6، ص 512، ح 16.

۵۰. میزان الحکمة، ج 5، ص 287، ح 8683.

۵۱. الکافی، ج 3، ص 501، ح 14.

۵۲. نهج البلاغة، ح 126؛ الامالی (طوسی)، ص 195.

خریدن چند چیز، بیش از حد نیاز، «اسراف» است و «تبذیر» نیست. ولی با تأمل در آنچه در تبیین معنای اسراف و تبذیر گذشت، مشخص می‌شود که این سخن، صحیح نیست. اسراف و تبذیر، هم می‌توانند صفت کیفی باشند و هم صفت کمی.

شش. اسراف، عنوان کلی انواع مصرف‌های ناروا

با عنایت به مفهوم دقیق «اسراف» باید گفت که این واژه، عنوان کلی و جامع انواع مصرف‌های نارواست. بنا بر این، آنچه پس از این، در ذیل عنوان مصرف‌های ناروا خواهد آمد، در واقع، مصداقی از مصداقی اسراف است.

2. افراط در رفاه‌طلبی و تجمل‌گرایی

خطرناک‌ترین مصداقی اسراف، افراط در رفاه‌طلبی، لذت‌جویی و تجمل‌گرایی است که در قرآن و روایات اسلامی از آن، با عنوان‌های: «اتراف» و «تنعم»، یاد شده، و جامعه اسلامی، نسبت به آن، هشدار داده است.

این ویژگی خطرناک، در واقع، زمینه‌ساز انواع گناهان و آلودگی‌های فردی و اجتماعی است. امام علی علیه السلام در روایتی، درباره خطر افراط در رفاه‌طلبی می‌فرماید:

اتَّقُوا سَكَرَاتِ النَّعْمَةِ، واحذروا بوائقِ النَّقْمَةِ؛^{۵۳}

از سرمستی‌های نعمت بترسید و از سختی‌های خشم و انتقام [خداوند] دوری کنید.

رفاه‌طلبی، لذت‌جویی، هواپرستی، خوش‌گذرانی و تجمل‌گرایی، چنان انسان را سرمست می‌کند که نه تنها برای مسائل انسانی و اخلاقی، ارزشی قایل نمی‌شود، بلکه در برابر کسانی که مردم را به ارزش‌های انسانی و اخلاقی دعوت می‌کنند، به مخالفت برمی‌خیزد. از این رو، در همه دوران‌ها، مترفان (خوش‌گذران‌ها)، در صف مقدم مخالفان پیامبران الهی بودند:

■ وَمَا أَرْسَلْنَا فِي قَرْيَةٍ مِّنْ نَّذِيرٍ إِلَّا قَالَ مُتْرَفُوهَا إِنَّا بِمَا أُرْسِلْتُمْ بِهِ كَافِرُونَ * وَقَالُوا نَحْنُ أَكْثَرُ أَمْوَالًا وَأَوْلَادًا وَمَا نَحْنُ بِمُعَذَّبِينَ؛^{۵۴}

و [ما] در هیچ شهری، هشداردهنده‌ای نفرستادیم، جز آن که خوش‌گذرانان آنها گفتند: «ما به آنچه شما بدان فرستاده شده‌اید، کافریم» و گفتند: «ما دارایی و فرزندانمان از همه بیشتر است و ما عذاب نخواهیم شد».

از این رو، برای پیشگیری از خطری که مترفان در طول تاریخ، گرفتار آن شدند، دوری گزیدن از رفاه‌طلبی و تجمل‌گرایی، ضروری است. در روایتی از پیامبر خدا صلی الله علیه و آله آمده است:

إِيَّاكَ وَالتَّعَمُّعَ؛ فَإِنَّ عِبَادَ اللَّهِ لَيْسُوا بِالْمُتَّعَمِينَ؛^{۵۵}

۵۳. نهج البلاغة، ج 5.

۵۴. سوره سبأ، آیه 34 و 35.

۵۵. مسند ابن‌حنبل، ج 8، ص 258، ح 26166؛ کنز العمال، ج 3، ص 192، ح 6111.

از نازپروردگی دور باش؛ که بندگان خداوند، نازپرورده نیستند.

البته باید توجه داشت که پرهیز از تجمل‌گرایی، به معنای بی‌توجهی به آراستگی ظاهری زندگی نیست. از این رو، در روایات اسلامی، از یک سو، مسلمانان را به ساده‌زیستی و پرهیز از تجمل‌گرایی توصیه می‌کند و از سوی دیگر، به زیبایی و آراستگی ظاهر، تشویق می‌کند. در حدیث آمده است:

إِنَّ اللَّهَ جَمِيلٌ يُحِبُّ الْجَمَالَ، وَيُحِبُّ أَنْ يَرَى نِعْمَتَهُ عَلَى عَبْدِهِ؛^{۵۶}

خداوند زیباست، زیبایی را دوست دارد و دوست‌دار آن است که نعمت خویش را بر بنده‌اش بنگرد.

به سخن دیگر، میان تجمل و تجمل‌گرایی فرق است. تجمل، به معنای آراستگی ظاهر، و تجمل‌گرایی، به معنای افراط و زیاده‌روی در آراستگی است. میانه‌روی در بهره‌گیری از نعمت‌های الهی و آراستگی زندگی، امری در حد اعتدال نیکوست، اما زیاده‌روی در آن، مانند تنوع بیش از حد لباس و لوازم آرایشی، و محیط‌آرایی جدید هر ساله منزل، اسراف و نکوهیده است.

3. تباه کردن ثروت

یکی از وظایف عقلی و شرعی شخص مسلمان، پیشگیری از تباه شدن ثروت شخصی و مهم‌تر از آن، اندوخته‌های ملی است. تباهی ثروت، گاه، در نتیجه سستی در پاسداری از آن است و گاه، بر اثر مصرف نابجای آن. در روایتی از امام علی^{۱۱} آمده است:

مَنْ كَانَ فِيكُمْ لَهُ مَالٌ فَيَأْيَاهُ وَ الْفَسَادُ! فَإِنَّ إِعْطَاءَهُ فِي غَيْرِ حَقِّهِ تَبْذِيرٌ وَ إِسْرَافٌ، وَ هُوَ يَرْفَعُ ذِكْرَ صَاحِبِهِ فِي النَّاسِ وَ يَضَعُهُ عِنْدَ اللَّهِ. وَ لَمْ يَضَعْ امْرَأُ مَالَهُ فِي غَيْرِ حَقِّهِ وَ عِنْدَ غَيْرِ أَهْلِهِ إِلَّا حَرَمَهُ اللَّهُ شُكْرَهُمْ، وَ كَانَ لِعَيْرِهِ وَ دُهُم؛^{۵۷}

هر کس از شما که مالی دارد، از فساد برحذر باشد که هر آینه، اگر بخشیدن آن مال، نابجا باشد، ریخت و پاش و اسراف است و هر چند نام وی را در میان مردم، بر می‌کشد، وی را نزد خداوند، فرو می‌آورد. هیچ کس نیست که مالش را نابجا و برای غیر شایستگان صرف کند، جز آن که خداوند، سپاس ایشان را از وی دریغ دارد و دوستی جز او در دلشان افتد.

مصرف نابجا نیز مصادیق مختلفی دارد که خطرناک‌ترین آنها، مصرف کردن مال در راه گناه و کارهای ناشایست است، از امام علی^{۱۱} نقل شده که می‌فرماید:

إِنَّ إِنْفَاقَ هَذَا الْمَالِ فِي طَاعَةِ اللَّهِ أَكْبَرُ نِعْمَةٍ، وَإِنَّ إِنْفَاقَهُ فِي مَعْاصِيهِ أَكْبَرُ مِحْنَةٍ؛^{۵۸}
بخشیدن این مال برای بندگی خدا، بزرگ‌ترین نعمت، و دادن آن در راه نافرمانی خداوند، بزرگ‌ترین گرفتاری است.

همه کارهایی که حقیقتاً یا حکماً، به تباهی ثروت می‌انجامند، از مصادیق اسراف به شمار می‌روند و از نظر اسلام، نکوهیده و ناپسندند.

۵۶. الکافی، ج 6، ص 438، ح 1؛ الخصال، ص 613، ح 10.

۵۷. الکافی، ج 4، ص 31، ح 3.

۵۸. غرر الحکم، ح 3392؛ عیون الحکم و المواعظ، ص 143، ح 3198.

4. ساخت و سازهای بی‌رویه و افزون بر نیاز

یکی دیگر از مصادیق اسراف - که مورد ابتلای بسیاری از ثروتمندان است - ساخت و سازهای بی‌رویه و افزون بر نیاز است. در روایتی از پیامبر خدا □ آمده است:

مَنْ بَنَى بِنَاءً أَكْثَرَ مِمَّا يَحْتَاجُ إِلَيْهِ، كَانَ عَلَيْهِ وَبِالْأَيَّامِ الْقِيَامَةِ؛^{۵۹}

هر کس ساختمانی بیش از اندازه نیازش بسازد، روز قیامت، بر او سنگینی خواهد کرد.

این نوع اسرافکاری، بویژه در شرایطی که بسیاری از مردم، توان تهیه کوچک‌ترین سرپناه را برای خود ندارند، به شدت، نکوهیده شده است، و معصومان □ در روایاتشان با تعبیرهای بسیار تندی، مسلمانان را از ساختن چیزی که به آن نیاز ندارند، نهی کرده‌اند.^{۶۰}

5. پیروی کورکورانه از بیگانگان، در مصرف

همانند بیگانگان مصرف کردن، پیامدهای زیانباری برای اقتصاد و فرهنگ جامعه اسلامی دارد؛ اما بی‌تردید، آثار سوء فرهنگی مصرف‌گرایی به شیوه بیگانگان، به مراتب، خطرناک‌تر از زیان‌های اقتصادی آن است.

از دیرباز، بیگانگان برای به سلطه درآوردن کشورهای دیگر، از اقتصاد، به عنوان ابزار سلطه فرهنگی و به دنبال آن، سلطه سیاسی، بهره می‌بردند. از این رو، در روایات اسلامی، مسلمانان، به شدت از تشبیه به بیگانگان در مصرف و پیروی کورکورانه از آنان نهی شده‌اند.

در حدیثی، امام باقر □ از پدران بزرگوارش نقل می‌فرماید:

أَوْحَى اللَّهُ إِلَى نَبِيِّ مِنَ الْأَنْبِيَاءِ أَنْ قُلْ لِقَوْمِكَ: لَا تَلْبَسُوا لِبَاسَ أَعْدَائِي، وَلَا يَطْعَمُوا طَعَامَ أَعْدَائِي، وَلَا يُشَاكِلُوا بِمَشَاكِلِ أَعْدَائِي؛ فَيَكُونُوا أَعْدَائِي كَمَا هُمْ أَعْدَائِي؛^{۶۱}

خداوند، به یکی از پیامبران وحی فرمود که به قومش بگوید: همچون دشمنان خدا لباس نپوشند، مثل آنان خوراک نخورند، و به شکل ایشان درنیایند، که در این حال، همچون آنان، دشمن خدا خواهند بود.

و بر این اساس، مصرف‌گرایی به شیوه بیگانگان، در صورتی که مصداق اسراف کمی نباشد، بی‌تردید، یکی از مصادیق بسیار خطرناک اسراف کیفی است و مبارزه همگان، برای پیشگیری از مفاسد فرهنگی، اقتصادی و سیاسی آن، لازم و ضروری است.

6. تفریط در مصرف

تفریط در مصرف، مانند اسراف و افراط در آن، پیامدهای زیان‌بار گوناگونی دارد. از این رو، اسلام، از یک سو، با افراط و اسراف در مصرف، به شدت مخالف است و به میانه‌روی و ساده‌زیستی، سفارش می‌کند و

۵۹. کنز العمال، ج 15، ص 406 ح 41585.

۶۰. ر.ک: توسعه اقتصادی بر پایه قرآن و حدیث، ج 2، ص 619 (نگاهداری مال).

۶۱. تهذیب الاحکام، ج 6، ص 172، ح 332.

از سوی دیگر، تفریط در مصرف و سخت‌گیری بر خود و خانواده را نیز محکوم می‌نماید. در حدیث نبوی آمده است:

كُلُوا وَ اشْرَبُوا وَ تَصَدَّقُوا وَ التَّبَسُّوا فِي غَيْرِ مَخِيلَةٍ وَ لَا سَرْفٍ؛ إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ أَنْ تُرَى نِعْمَتُهُ عَلَى عِبْدِهِ؛^{۶۲}

بخورید و بیاشامید و صدقه دهید و بدون فخرفروشی و اسراف‌کاری، جامه بپوشید؛ زیرا خداوند دوست دارد که نعمتش بر بنده‌اش نگریسته شود.

افزون بر آیات و روایاتی که به بهره‌گیری از مواهب الهی، توصیه دارند، در احادیث فراوانی، کسانی که خود را از لذت‌های مشروع زندگی محروم می‌کنند، به شدت نکوهش شده‌اند. روایت شده است که پیامبر ﷺ، هنگامی که شنید ده نفر از اصحاب او، شماری از لذت‌های زندگی را بر خود تحریم کرده‌اند، ضمن نکوهش این اقدام، در یک سخنرانی عمومی فرمود:

إِنَّمَا هَلَكَ مَنْ قَبْلَكُمْ بِالتَّشَدُّدِ؛ شَدَّدُوا عَلَى أَنْفُسِهِمْ فَشَدَّدَ اللَّهُ عَلَيْهِمْ، فَأَوْلَانِكَ بَقَايَاهُمْ فِي الدِّيَارِ وَالصَّوَامِعِ؛^{۶۳}

جز این نیست که کسانی پیش از شما، بر خود سخت گرفتند و از این روی، هلاک شدند. ایشان بر خود سخت گرفتند و خدای هم بر آنان سخت گرفت. پس اینان (راهبان و کشیشان)، باقی‌مانده در دیرها و صومعه‌ها هستند.

ه. راهکارهای اصلاح الگوی مصرف از امکانات ملی

هدر دادن منابع ملی و درست مصرف نکردن بودجه عمومی کشور، یکی از بزرگ‌ترین خطرهایی است که همه نظام‌های سیاسی را - بویژه نظام‌هایی که مبتنی بر ارزش‌های اسلامی و مردم‌سالاری دینی‌اند - تهدید می‌کند. از این رو، اصلاح الگوی مصرف از امکانات ملی، به مراتب، مهم‌تر، ضروری‌تر و فوری‌تر از اصلاح الگوی مصرف از درآمدهای فردی است.

بر این اساس، در جمهوری اسلامی ایران، همه ارگان‌ها، بویژه دولت، باید با بهره‌گیری از فضایی که نام‌گذاری سال جاری (1388) برای اصلاح الگوی مصرف پدید آورده، نهایت توان خود را برای اصلاح الگوی مصرف از بودجه عمومی و امکانات ملی، به کار گیرند و این حرکت پُربرکت را در نهادهای تحت اشراف خود، به طور جدی آغاز کنند.

مهم‌ترین راه‌کارهایی که با بهره‌گیری از رهنمودهای پیشوایان اسلام می‌توان برای اصلاح الگوی مصرف از منابع ملی، ارائه داد، عبارت‌اند از:

^{۶۲} مسند ابن‌حنبل، ج 2، ص 603، ح 6720.
^{۶۳} عوالمی اللالی، ج 2، ص 149، ح 418.

1. تقویت برنامه‌ریزی‌های کلان اقتصادی

نخستین گام در اصلاح الگوی مصرف از منابع ملی، تقویت برنامه‌ریزی‌های کلان اقتصادی است. در روایتی از امام علی ع می‌خوانیم:

حُسْنُ التَّدْبِيرِ وَ تَجَنُّبُ التَّبَدُّرِ مِنْ حُسْنِ السِّيَاسَةِ؛^{۶۴}

حُسن تدبیر و پرهیز از حیف و میل، [بخشی] از حُسن سیاست است.

بر پایه این روایت، سیاستمداران نظام اسلامی برای استفاده بهینه از منابع ملی، از یک سو باید تدبیرهای اقتصادی خود را تقویت کنند و از سوی دیگر، از زیاده‌روی‌ها و ریخت و پاش‌های بی‌فایده در دستگاه‌های دولتی، پیشگیری نمایند. امیرمؤمنان ع در روایتی دیگر می‌فرماید:

سَوْءُ التَّدْبِيرِ مِفْتَاحُ الْفَقْرِ؛^{۶۵}

سوء تدبیر، کلید فقر است.

این سخن، اشاره بدین معناست که سیاستمدارانی که تدبیر لازم را در مدیریت اقتصادی کشور ندارند، زمینه‌ساز عقب‌ماندگی اقتصادی جامعه هستند.

2. استفاده بهینه از منابع ملی

رعایت اولویت‌هایی که موجب استفاده بهینه از منابع ملی و بودجه عمومی است، به مراتب، مهم‌تر از رعایت اولویت‌ها در هزینه کردن از منابع شخصی است. از این رو، بر همه مدیران در نظام اسلامی، فرض است که با همه توان خود تلاش کنند تا از منابعی که از بودجه عمومی در اختیار دارند، به بهترین وجه، برای مصالح مردم استفاده نمایند و بدین سان، در آزمون امانتداری اموال عمومی، موفق باشند:

■ إِنَّا جَعَلْنَا مَا عَلَى الْأَرْضِ زِينَةً لَهَا لِنَبْلُوَهُمْ أَيُّهُمْ أَحْسَنُ عَمَلًا؛^{۶۶}

در حقیقت، ما آنچه را که بر زمین است، زیوری برای آن قرار دادیم تا آنان را ببازماییم که کدام یک از ایشان نیکوکارترند.

بی‌تردید، تلاش برای استفاده بهینه از منابع و امکانات ملی، یکی از مصادیق بارز این آیه کریمه، و موفقیت در این تلاش، دستیابی به پاداش بهترین عمل است.

3. نهایت صرفه‌جویی

یکی از لوازم اجتناب‌ناپذیر استفاده بهینه از منابع ملی، صرفه‌جویی همراه با تدبیر، در مصرف بودجه عمومی است. امام علی ع در این باره، بخش‌نامه‌ای به کارگزاران حکومتی خود دارد که بسیار قابل تأمل و آموزنده است. متن این بخش‌نامه، چنین است:

^{۶۴} غرر الحکم، ج ۱۰، ۱۰۹۲۰.

^{۶۵} میزان الحکمه، ج ۱، ۹۱۸۵.

^{۶۶} سوره کهف، آیه ۷.

أَدِقُوا أَقْلَامَكُمْ، وَ قَارِبُوا بَيْنَ سَطُورِكُمْ، وَ احْذِرُوا عَنِّي فُضُولَكُمْ، وَ اقْصِدُوا قَصْدَ
المعاني، وَ إِيَّاكُمْ وَ الْإِكْثَارَ؛ فَإِنَّ أَمْوَالَ الْمُسْلِمِينَ لَا تَحْتَمِلُ الْإِضْرَارَ؛^{۶۷}

قلم‌هایتان را تیز کنید، سطرها را به هم نزدیک سازید، [در نگارش] برای من، زیادی‌ها را حذف کنید و به معنا بنگرید، و از زیاده‌نویسی بپرهیزید؛ چرا که بیت‌المال مسلمانان، زیان بر نمی‌تابد.

این بخش‌نامه، بدین معناست که سیاست صرفه‌جویی در اموال عمومی باید به صورت قانون و دستور العمل، به کارگزاران نظام اسلامی ابلاغ شود و آنان موظفانند برای بهره‌گیری بهتر و بیشتر از وقت خود و مدیریت‌های بالاتر از خود و امکانات ملی نهایت صرفه‌جویی را داشته باشند.

4. پیشگیری از سوء استفاده شخصی و خانوادگی

در نظام اسلامی، پیشگیری از سوء‌استفاده شخصی و خانوادگی از امکانات ملی باید در میان کارگزاران آن، به فرهنگ تبدیل شود. آنان باید توجه داشته باشند که اموال عمومی در اختیار آنها، در واقع، امانت ملی‌اند و تنها در خصوص مسئولیتی که به عهده دارند، می‌توانند از این امکانات استفاده کنند، و هرگونه استفاده شخصی از امکانات عمومی، نامشروع است.

مشهور است که امیر مؤمنان علیه السلام، شبی وارد بیت المال شد و چگونگی تقسیم اموال را می‌نوشت که طلحه و زبیر، نزد ایشان رسیدند. به محض ورود آنها، امام، چراغی که در برابرش بود، خاموش کرد و دستور داد تا چراغی دیگر از خانه‌اش آورند!

آنان که از این برخورد امام، شگفت زده شده بودند، سبب آن را پرسیدند. امام علیه السلام پاسخ داد:

كَانَ زَيْنَةُ مِنْ بَيْتِ الْمَالِ، وَ لَا يَنْبَغِي أَنْ نُصَاحِبَكُمْ فِي ضَوْئِهِ؛^{۶۸}

روغن آن چراغ، از بیت المال بود؛ از این رو، سزاوار نیست که با شما در روشنایی‌اش هم‌نشینی کنیم!

در حکومت امام علی علیه السلام در بهره‌گیری از بیت المال، تفاوتی میان نزدیکان امام و دیگران وجود نداشت. یکی از نکات بسیار آموزنده در سیره علوی، این است که یک روز پیش از شهادت آن امام بزرگ، مردم بر او وارد شدند و گواهی دادند که حقوق آنان را از بیت المال، به طور یکسان رعایت کرده، استفاده شخصی از بیت‌المال نداشته و با دورترین مردم در حکومت، همانند نزدیک‌ترین آنان به او، رفتار شده است. بنا بر این، پیروان راستین امام علی علیه السلام و مدیرانی که افتخار خدمت در نظام منسوب به آن بزرگوار را دارند، باید با یاری جستن از خداوند متعال و روح بلند آن امام بزرگ، همه توان خود را برای نزدیک شدن هر چه بیشتر به آن الگوی کامل انسانیت، به کار گیرند.

^{۶۷} الخصال، ص 310، ج 85.

^{۶۸} احقاق الحق، ج 8، ص 539.

5. دوری جستن از بذل و بخشش اموال عمومی

از دیدگاه اسلام، بخشش، نیکوست؛ اما از اموال خود، نه از اموال دیگران. بخشش از اموال دیگران، نه تنها نیکو نیست، بلکه نكوهیده و ناپسند است. از این رو، در نظام اسلامی، دولتمردان حق ندارند از اموال ملی ببخشند. در روایتی از امام علی □ آمده است:

جودُ الْوَلَاةِ بِقِيءِ الْمُسْلِمِينَ جَوْرٌ وَ خَيْرٌ؛^{۶۹}

بخشش حکمرانان از اموال مسلمانان، بیدادگری و خیانت است.

در سیره حکومتی علوی آمده است که هنگام تقسیم بیت المال، برده پیری، نزد امیر مؤمنان □ آمد و تقاضای یاری کرد. امام □ به او فرمود:

وَاللَّهِ مَا هُوَ بِكَدِّ يَدِي وَ لَا تَرَاثِي مِنَ الْوَالِدِ، وَ لَكِنَّهَا أَمَانَةٌ أُرْعِيهَا فَأَنَا أَوْدِيهَا إِلَى أَهْلِهَا؛^{۷۰}

به خدا سوگند! که این، نه دست‌رنج من است و نه میراثم از پدر؛ بلکه امانتی است که به من سپرده شده. پس آن را به اهله می‌رسانم.

در ادامه، امام □ با درخواست یاری از مردم، مشکل آن نیازمند را حل کرد.^{۷۱}

و. سیره پیشوایان دین در مصرف

عصمت پیشوایان بزرگ الهی و مصونیت آنان از گناه و اشتباه، ایجاب می‌کند که سیره عملی آنان در مسائل مختلف و از جمله، مصرف درآمدها، یکسان باشد و تفاوت‌های ظاهری، مقتضای شرایط زمان و مکان زندگی آنهاست؛ مثلاً اگر امام علی □ در زمان امام صادق □ زندگی می‌کرد، همان گونه می‌زیست که امام صادق □ زندگی کرده بود. عکس این مطلب نیز صادق است.

بر این اساس، نکاتی که در سیره عملی هر یک از پیشوایان دیده می‌شود، قابل تسری به همه آنهاست. با این نگاه، در بررسی سیره پیشوایان بزرگ دین، مشخص می‌شود که همه بایدها و نبایدهای الگوی مصرف، رعایت شده؛ اما چند نکته، برجسته و قابل توجه است:

1. رعایت وظیفه خاص پیشوایان

وظیفه الهی همه پیشوایان عدل، این است که در مصرف، همانند تهی‌دست‌ترین مردم زندگی کنند تا آسوه و الگویی برای همه مردم باشند و مشکلات اقتصادی، فشار روانی دوجندانی بر بینوایان وارد نسازد:

إِنَّ اللَّهَ فَرَضَ عَلَى أَيْمَةِ الْعَدْلِ أَنْ يَقْدَرُوا أَنْفُسَهُمْ بِضَعْفَةِ النَّاسِ كَيْلًا يَتَّبِعَ بِالْفَقِيرِ فُقْرُهُ؛^{۷۲}

۶۹ غرر الحکم، ج 4725.

۷۰ دعائم الاسلام، ج 2، ص 310 ح 1171.

۷۱ همان.

۷۲ الکافی، ج 1، ص 410 ح 3.

خداوند، بر پیشوایان عادل، واجب کرده است که خود را با مردم تهی دست، همسان سازند تا مبدا ناداری تهی دست، او را برافروخته سازد.

از این رو، انبیا و امامان، در شرایطی که فقر، از جامعه ریشه کن نشده بود، نهایت قناعت و ساده زیستی را در زندگی خود رعایت می کردند؛ اما در عین حال، دیگران را به میانه روی توصیه می نمودند و اجازه نمی دادند که دیگران، خود را از لذت های مشروع زندگی، محروم کنند.

2. رعایت مقتضیات زمان

پیشوایان دین، همواره مقتضیات زمان خود را در مقدار مصرف و چگونگی آن، رعایت می کردند؛ بدین معنا که اولاً، امامان، کاری را که موجب انگشت نما شدن آنها شود، انجام نمی دادند. از این رو، امام صادق علیه السلام در پاسخ کسی که به او ایراد می گیرد که: «چرا بر خلاف سیره جدت امام علی علیه السلام - که از لباس های ارزان و خشن استفاده می کرد -، از لباس نو و نرم استفاده می کنی؟!» می فرماید: «علی علیه السلام در زمانی از آن نوع لباس استفاده می کرد که در فرهنگ عمومی، زشت نبود و اگر در زمان ما چنین لباسی می پوشید، انگشت نما می شد. بنا بر این، بهترین لباس در هر زمان، لباس مردم همان زمان است».^{۷۳}

ثانیاً، در شرایط مناسب اقتصادی - که همه مردم می توانستند از امکانات مناسب زندگی، بهره مند شوند - امامان علیهم السلام نیز از استفاده از مواهب الهی، پرهیز نمی کردند. به همین جهت، در روایتی دیگر، امام صادق علیه السلام در پاسخ به این ایراد سفیان ثوری که به ایشان گفته بود: «چرا پدرانت از لباس های زیبا استفاده نمی کردند؛ اما شما استفاده می کنید؟» می فرماید: «آنان در روزگاری زندگی می کردند که مردم در فقر و تنگ دستی بودند؛ ولی در شرایط کنونی - که وضع اقتصادی مردم خوب است - نیکان، سزاورترند که از مواهب الهی، بهره مند شوند».^{۷۴}

3. در تنگنا قرار ندادن خانواده

قناعت و ساده زیستی پیشوایان، موجب در تنگنا قرار دادن خانواده و سخت گیری بر آنان نبود. شیخ کلینی از امام صادق علیه السلام روایت کرده که: پیامبر خدا صلی الله علیه و آله امکانات مورد نیاز خانواده خود را به خوبی تأمین می کرد و درباره فلسفه این اقدام ایشان می فرماید:

إِنَّ النَّفْسَ إِذَا عَرَفَتْ قُوَّتَهَا قَنَعَتْ بِهِ وَ تَبَتَّ عَلَيْهِ اللَّحْمُ؛^{۷۵}

نفس انسان، اگر از روزی اش آگاه باشد، به آن رضایت می دهد، و گوشت، با روزی می روید.

این سخن، بدین معناست که اگر امکانات مورد نیاز انسان در زندگی، تأمین نباشد، از نظر روحی و جسمی، با مشکل روبه رو می شود؛ اما وقتی نیازهای او تأمین شود، احساس آرامش روانی می کند و از نظر جسمی هم نیرومند می گردد.

۷۳. همان، ج ۱، ص ۴۱۱، ج ۴؛ ج ۶، ص ۴۴۴، ح ۱۵.

۷۴. مطالب السؤل، ص ۸۲.

۷۵. الکافی، ج ۶، ص ۴۴۴، ح ۱۳.

پیشوایان الهی، شخصاً از قدرت روحی خارق العاده‌ای برخوردار بودند که کمبودهای مادی، آنها را تحت تأثیر قرار نمی‌داد؛ ولی همسر و یا دیگر اعضای خانواده آنها - که این قدرت روانی را نداشتند - نمی‌توانستند مانند آنها باشند.

همچنین گزارش کتاب شریف *الکافی*، از خانه مزین همسر امام باقر^{۷۶} نیز نشان‌گر این معناست که هر چند اهل بیت □ در زندگی شخصی، فقر اختیاری را برگزیده بودند، اما هیچ‌گاه همسر و خانواده خود را در تنگنا و سختی قرار نمی‌دادند.

4. آراستگی همراه با ساده‌زیستی

پیشوایان الهی، به موجب روایت: «إِنَّ اللَّهَ جَمِيلٌ يُحِبُّ الْجَمَالَ»، در عین ساده‌زیستی، از نظر ظاهری، کاملاً آراسته بودند. البته آراستگی آنان، شبیه آرایش اسراف‌کاران و مستکبران نبود؛ ولی آنان از نظر رنگ لباس، پاکیزگی و معطر بودن، برای مخاطبان، جذابیتی خاص داشتند. در روایتی از امام صادق □ آمده است:

العطرُ من سنن المرسلین؛^{۷۷}

عطر زدن، از سنت‌های پیامبران است.

همچنین از امام صادق □ روایت شده که می‌فرماید:

كَانَ رَسُولُ اللَّهِ □ يُنْفِقُ فِي الطَّيِّبِ أَكْثَرَ مِمَّا يُنْفِقُ فِي الطَّعَامِ؛^{۷۸}

پیامبر خدا □ برای عطر، بیشتر از غذا خرج می‌کرد.

روایت شده که پیامبر خدا □، نه تنها برای خانواده خود، بلکه برای دیدار با یارانش نیز خویشتن را می‌آراست و می‌فرمود: «خداوند، دوست دارد که بنده‌اش وقتی برای دیدار با برادرانش از خانه بیرون می‌رود، خود را بیاراید و آماده دیدار آنها نماید».^{۷۹}

5. گرامی‌داشت میهمان

یکی از حقوق میهمان، گرامی داشتن اوست. در روایتی از پیامبر □ آمده است:

إِنَّ مِنْ حَقِّ الضَّيْفِ أَنْ يُكْرَمَ؛^{۸۰}

از حقوق میهمان، این است که گرامی داشته شود.

۷۶. همان، ج 6، ص 448، ح 13.

۷۷. همان، ج 6، ص 510، ح 2.

۷۸. همان، ج 6، ص 512، ح 18.

۷۹. مکارم الاخلاق، ج 1، ص 84، ح 1.

۸۰. الکافی، ج 6، ص 285، ح 3؛ کتاب من لا یحضره الفقیه، ج 3، ص 357، ح 4261.

در احادیث اسلامی، رهنمودهای فراوانی برای چگونگی احترام به میهمان، وارد شده است؛^{۸۱} یکی از آنها آماده‌سازی بهترین غذایی است که تهیه آن برای میزبان، به سادگی، امکان‌پذیر است. از امام علی^ع روایت شده که می‌فرماید:

إِذَا دَخَلَ عَلَيْكَ أَخُوكَ الْمُؤْمِنُ، فَاطْعِمَهُ مِنْ أَطْيَبِ مَا فِي بَيْتِكَ؛^{۸۲}

هرگاه برادر مؤمن بر تو وارد شد، از بهترین غذایی که در خانهات داری، به او بخوران.

بر پایه روایاتی که کلینی^ع نقل کرده، اهل بیت^ع، خود، در انجام دادن این رهنمود، پیش‌گام بودند. ابو خالد کابلی، روایت کرده که صبحانه‌ای میهمان امام باقر^ع بودم. تا آن موقع، غذایی پاکیزه‌تر و خوش‌بوتر از آن صبحانه نخورده بودم. پس از صرف غذا امام^ع به من فرمود:

كَيْفَ رَأَيْتَ طَعَامَنَا؟

چگونه دیدی غذای ما را؟

گفتم: که غذایی پاکیزه‌تر و خوش‌بوتر از آن نخورده بودم؛ ولی [هنگام خوردن غذا] به یاد این آیه افتادم که در کتاب خدا آمده:

■ نَسْأَلُونَ يَوْمَئِذٍ عَنِ النَّعِيمِ؛^{۸۳}

البته در قیامت، از نعمت‌هایی که داشته‌اید، بازپرسی خواهید شد.

گویا، ابو خالد، تصوّر می‌کرد که خوردن غذای لذیذ و مطبوع، موجب طول حسابرسی روز قیامت خواهد شد؛ از این رو، در فکر بود که چرا در خانه امام باقر^ع غذایی به این لذیذی تهیه شده است؟! بدین جهت، ابهام خود را با اشاره به آیه یاد شده، مطرح کرد. امام در پاسخ وی فرمود:

لَا، إِنَّمَا نَسْأَلُونَ عَمَّا أَنْتُمْ عَلَيْهِ مِنَ الْحَقِّ؛^{۸۴}

نه! آنچه درباره‌اش از شما بازخواست می‌کنند، عقیده حقی است که شما دارید.

روایات دیگری نیز این معنا را تأیید می‌کنند. در برخی از آنها آمده که خداوند، بزرگوارتر از آن است که روز قیامت در باره نعمت‌های حلال و مشروعی که به مردم عنایت کرده، بازجویی کند؛ بلکه بازجویی‌های قیامت، درباره مسائل اساسی اعتقادی، اخلاقی و عملی خواهد بود.

6. ایثار نسبت به نیازمندان

یکی از ویژگی‌های پیشوایان الهی، این بود که تأمین نیازهای دیگران را بر خود مقدّم می‌داشتند. در مورد پیامبر^ص نقل شده است:

۸۱. تفصیل این رهنمودها در کتاب *فرهنگنامه مهمانی از نگاه قرآن و حدیث* آمده است.

۸۲. *دعائم الإسلام*، ج ۲، ص ۱۰۷، ح ۳۴۲.

۸۳. سوره تکوین، آیه ۸.

۸۴. *الکافی*، ج ۶، ص ۲۸۰، ح ۵.

ما شَبِعَ رَسُولَ اللَّهِ ﷺ ثَلَاثَةَ أَيَّامٍ مُتَوَالِيَةً حَتَّى فَارَقَ الدُّنْيَا، وَ لَوْ شَاءَ لَشَبِعَ، وَ لَكِنَّهُ كَانَ يُؤَثِّرُ عَلَى نَفْسِهِ؛^{۸۵}

پیامبر خدا، تا زمانی که از دنیا رفت، هرگز سه روز پیاپی، غذای سیر نخورد. البته اگر می‌خواست، می‌توانست سیر بخورد؛ اما دیگران را بر خود، مقدم می‌داشت.

اهل بیت آن بزرگوار نیز مانند ایشان عمل می‌کردند و داستان‌های بسیار آموزنده‌ای از ایشان خاندان رسالت در کتاب‌های تاریخی و روایی نقل شده است.

کتابنامه

- *إحقاق الحقّ و إزهاق الباطل*، نورالله بن سیّد شریف شوشتری (قاضی تستری، م 1019ق)، با تعلیقات: سیّد شهاب‌الدین مرعشی، قم: کتابخانه آیه الله مرعشی، اول، 1411ق.
- *أعلام الدین فی صفات المؤمنین*، الحسن بن محمد الدیلمی (م 711ق)، تحقیق: مؤسسه آل‌البیت، قم: مؤسسه آل‌البیت.
- *الأمالی*، محمد بن حسن طوسی (م 460ق)، تحقیق: مؤسسه البعثة، قم: دار الثقافة، اول، 1414ق.
- *بحار الانوار*، محمد باقر مجلسی، بیروت: مؤسسه الوفاء، 1403ق.
- *تحف العقول عن آل الرسول*، حسن بن علی حرّانی (ابن شعبه، م 381ق)، تحقیق: علی اکبر غفاری، قم: مؤسسه النشر الإسلامی، دوم، 1404ق.
- *تفسیر العیاشی*، محمد بن مسعود سلمی سمرقندی (العیاشی، م 320ق)، تحقیق: هاشم رسولی محلاتی، تهران: المكتبة العلمیة، اول، 1380ق.
- *تهذیب الأحکام فی شرح المقنعة*، محمد بن حسن طوسی (شیخ طوسی، م 460ق)، بیروت: دارالتعارف، اول، 1401ق.
- *ثواب الأعمال و عقاب الأعمال*، محمد بن علی بن بابویه قمی (شیخ صدوق، م 381ق)، تحقیق: علی اکبر غفاری، تهران: مكتبة الصدوق.
- *الخصال*، شیخ صدوق، قم: مؤسسه النشر الإسلامی، چهارم، 1414ق.
- *دعائم الإسلام و ذکر الحلال و الحرام و القضايا و الأحکام*، نعمان بن محمد تمیمی مغربی (م 363ق)، تحقیق: آصف بن علی اصغر فیضی، مصر: دارالمعارف، سوم، 1389ق.
- *الدعوات*، سعید بن عبدالله راوندی (قطب‌الدین راوندی، م 573ق)، تحقیق: مؤسسه الإمام المهدي، قم: مؤسسه الإمام المهدي، اول، 1407ق.

- سنن ابن ماجه، محمد بن یزید قزوینی (ابن ماجه، م275ق)، تحقیق: محمد فؤاد عبدالباقی، بیروت: داراحیاء التراث، اول، 1395ق.
- سنن النسائي بشرح الحافظ جلال الدين السيوطي وحاشية الإمام السندي، أحمد بن شعيب النسائي (م303ق)، بیروت: دارالجيل، اول، 1407ق.
- صحيح مسلم، مسلم بن الحجاج القشيري النيسابوري (م261ق)، تحقیق: محمد فؤاد عبدالباقی، قاهره: دارالحديث، اول، 1412ق.
- علل الشرائع، شیخ صدوق، بیروت: داراحیاء التراث، اول، 1408ق.
- عوالي اللآلی العزیزیه فی الأحادیث الدینیة، محمد بن علی احسائی (ابن ابی جمهور، م940ق)، تحقیق: مجتبی عراقی، قم: انتشارات سید الشهداء، اول، 1403ق.
- عیون الحكم والمواعظ، علی بن محمد اللیثی الواسطی (ق6ق)، تحقیق: حسین حسنی بیرجندی، قم: دارالحديث، اول، 1376ش.
- غرر الحكم و درر الكلم، عبدالواحد الأمدی التمیمی (م550ق)، تحقیق: میر جلال الدین محدث أرموی، تهران: دانشگاه تهران، سوم، 1360ش.
- الكافي، محمد بن یعقوب الكلینی الرازی (م329ق)، تحقیق: علی اکبر غفاری، بیروت: دار صعب و دارالتعارف، چهارم، 1401ق.
- كتاب من لا يحضره الفقيه، شیخ صدوق، تحقیق: علی اکبر غفاری، قم: مؤسسه النشر الاسلامی، دوم.
- كنز العمال في سنن الأقوال والأفعال، علی متقی بن حسام الدین هندی (م975ق)، تصحیح: صفوة السقا، بیروت: مكتبة التراث الإسلامي، اول، 1397ق.
- مجمع البيان في تفسير القرآن (تفسير مجمع البيان)، فضل بن حسن طبرسی (امین الاسلام، م548ق)، تحقیق: سید هاشم رسولی محلاتی و سید فضل الله یزدی طباطبایی، بیروت: دار المعرفة، دوم، 1408ق.
- المحاسن، أحمد بن محمد برقی (م280ق)، تحقیق: سید مهدی رجایی، قم: مجمع جهانی اهل بیت، اول، 1413ق.
- مطالب السؤول في مناقب آل الرسول، محمد بن طلحه شافعی (م654ق)، قم: نسخه خطی در کتابخانه آیه الله مرعشی.
- المسند، احمد بن محمد شیبانی (ابن حنبل، م241ق)، تحقیق: عبدالله محمد درویش، بیروت: دارالفکر، دوم، 1414ق.
- مفردات ألفاظ القرآن، حسین بن محمد راغب اصفهانی (م425ق)، تحقیق: صفوان عدنان داودی، بیروت: دارالقلم، اول، 1412ق.
- مكارم الأخلاق، فضل بن حسن طبرسی (م548ق)، تحقیق: علاء آل جعفر، قم: مؤسسه النشر الاسلامی، اول، 1414ق.

- میزان الحکمة با ترجمه فارسی، محمد محمدی ری شهری، ترجمه: حمید رضا شیخی، قم: دارالحدیث، 1377ش.
- نزهة الناظر وتنبيه الخواطر، حسین بن محمد حلوانی (ق5) تحقیق: مؤسسه الإمام المهدي، قم: مؤسسه الإمام المهدي، اول، 1408ق.
- نهج البلاغه، محمد بن الحسین الموسوی (شریف رضی)، ترجمه: سید جعفر شهیدی، تهران: انتشارات علمی و فرهنگی، 1378ش.

Archive of SID